

گروه حوادث–سخت بود، خیلی هم سخت بود، من چگونه می توانستم خریدار یک نوزاد باشم؟! دست و زبانم می لرزید، اما باید تقسم را خوب بازی می کردم... بوق سوم که می خورد، آقای «دلال» پاسخ می دهد؛ بله،بفرمایید در خدمتم. (راستی نگفتم که با چاه دلالی گفتگو می کنم، با یک دلال خرید و فروش نوزاد)

–سلام آقا، خوبید؟ وقتتون بخیر!می تونم

چند دقیقه مزاحمتون بشم؟!

–بله بفرمایید در خدمتم...

–من و همسرم مشکلی داریم و صاحب فرزند نمی شسیم، پیگیری های زیادی هم برای در مان انجام دادیم که تقریبا به نتیجه نرسیدیم، چند وقتی هست که به فکر افتادیم از بهزیستی بچه بگیریم که اون هم هنوز به دلیل پیچ و خم ها ش نشده... یکی از دوستانم گفت با شما تماس بگیرم، نمی دونم شمار ه رو درست گرفت؟

(صریح به موضوع خرید و فروش نوزاد اشاره نمی کنم، مثلا پلیس سازی در می آورم و در ابتدا موضوع را آنگگ مطرح می کنم تا اگر آقای دلال خودش هست، به من اعتماد کند؛ نوع واکنش اش برای ادامه گفتگو برام مهم بود...)

***** آها بله متوجه ام من، در خدمت شما هستم...

–پس درست گرفت فرقت خودتون هستید که...

***** بله در خدمتم.

– ببینید من همسرم خیلی حساس هست روی این موضوع، یک نوبت هم از بهزیستی اقدام کردیم، ولی خب کار کمی سخت پیش میر... همیشه بگید شر ایط شما چی هست؟ ما چطور می تونیم با واسطه شما فرزندار بشیم؟

– ببینید خیلی صریح بگم شما شرایط مالی تون باید خیلی مناسب باشه، به جورایی دستتون باید خیلی به دهانتون برسه...

–آها متوجه ام، من مشکل مالی ندارم... فقط یک سوال: نوزادهایی که شما برای «فروش» دارید، سنن و سالنئون چقدر هست؟ و این که موضوع شناسنامه بچه چی میشه؟

***** خب ببین این کار ما هم غیر قانونیه، ولی خب شبیه روال بهزیستی هست، منتها بهزیستی پروتکل هایی گذاشته که کار رو سخت کرده، ولی با سببستی که ما داریم خیلی راحت شما صاحب بچه میشی...

برای شناسنامه هم چند مدل هست، این که خودت پیگیری کنی تقریبا هشت ماه زمان می بره،اگر بدی به وکیل ۲۰ میلیون می گیری برات یک ماهه شناسنامه رو درست می کنه، یک مدل دیگه هم هست که ولادت محوره؛ یعنی از همون توی بیمارستان کار انجام میشه و من قانونی برات کار رو درست می کنم (آقای دلال خیلی دقیق و جزئی

گروه حوادث–سخت بود، خیلی هم سخت بود، من چگونه می توانستم خریدار یک نوزاد باشم؟! دست و زبانم می لرزید، اما باید تقسم را خوب بازی می کردم...

بوق سوم که می خورد، آقای «دلال» پاسخ می دهد؛

بله،بفرمایید در خدمتم.

(راستی نگفتم که با چاه دلالی گفتگو می کنم، با یک دلال خرید و فروش نوزاد)

–سلام آقا، خوبید؟ وقتتون بخیر!می تونم

چند دقیقه مزاحمتون بشم؟!

–بله بفرمایید در خدمتم...

–من و همسرم مشکلی داریم و صاحب فرزند نمی شسیم، پیگیری های زیادی هم برای در مان انجام دادیم که تقریبا به نتیجه نرسیدیم، چند وقتی هست که به فکر افتادیم از بهزیستی بچه بگیریم که اون هم هنوز به دلیل پیچ و خم ها ش نشده... یکی از دوستانم گفت با شما تماس بگیرم، نمی دونم شمار ه رو درست گرفت؟

(صریح به موضوع خرید و فروش نوزاد اشاره نمی کنم، مثلا پلیس سازی در می آورم و در ابتدا موضوع را آنگگ مطرح می کنم تا اگر آقای دلال خودش هست، به من اعتماد کند؛ نوع واکنش اش برای ادامه گفتگو برام مهم بود...)

***** آها بله متوجه ام من، در خدمت شما هستم...

–پس درست گرفت فرقت خودتون هستید که...

***** بله در خدمتم.

– ببینید من همسرم خیلی حساس هست روی این موضوع، یک نوبت هم از بهزیستی اقدام کردیم، ولی خب کار کمی سخت پیش میر... همیشه بگید شر ایط شما چی هست؟ ما چطور می تونیم با واسطه شما فرزندار بشیم؟

– ببینید خیلی صریح بگم شما شرایط مالی تون باید خیلی مناسب باشه، به جورایی دستتون باید خیلی به دهانتون برسه...

–آها متوجه ام، من مشکل مالی ندارم... فقط یک سوال: نوزادهایی که شما برای «فروش» دارید، سنن و سالنئون چقدر هست؟ و این که موضوع شناسنامه بچه چی میشه؟

***** خب ببین این کار ما هم غیر قانونیه، ولی خب شبیه روال بهزیستی هست، منتها بهزیستی پروتکل هایی گذاشته که کار رو سخت کرده، ولی با سببستی که ما داریم خیلی راحت شما صاحب بچه میشی...

برای شناسنامه هم چند مدل هست، این که خودت پیگیری کنی تقریبا هشت ماه زمان می بره،اگر بدی به وکیل ۲۰ میلیون می گیری برات یک ماهه شناسنامه رو درست می کنه، یک مدل دیگه هم هست که ولادت محوره؛ یعنی از همون توی بیمارستان کار انجام میشه و من قانونی برات کار رو درست می کنم (آقای دلال خیلی دقیق و جزئی

گروه حوادث–زن جوان که با مراجعه به پلیس مدعی بود مرتکب قتل شده است ۱۲ ساعت پس از بازداشت متکر جنایت شد و گفت که به خاطر تنبیه همسرش چنین موضوعی را بیان کرده است. ششماهه سه شنبه گذشته زن جوانی به کلاتری ۱۵۷ مسعودیه رفت و گفت: من چند سال قبل مرتکب قتل شده‌ام و حالا به‌خاطر عذاب وجدان تصمیم گرفته‌ام که از این جنایت را برملا کنم.

موضوع این ادعا بلافاصله به بازپرس کشیک قتل پایتخت اعلام و به دستور بازپرس شعبه دوم دادسرای امور جنایی تهران زن ۳۵ساله بازداشت شد. سمیرا در تحقیقات اولیه مدعی شد که سه سال قبل، مردی افغانستانی را با ضربات چاقو به قتل رسانده و سجدش را داخل کانال آبی در اطراف ورامین انداخته است.

روش های دریافت شناسنامه و هویت نوزاد را توضیح می دهد...
سن و سال بچه‌ها رو نگفتی...
*آها، معمولاً زیر یک ماه، از دوسه روزبگیر تا یک ماه.
اونایی که بالای یک ماه هستند، احتمالاً پدرومادر دیر به فکر فروش افتادند، یا نتونستند مشتری پیدا کنند...
–ببخشید مبلغی که من باید پرداخت کنم چقدره؟
* ببین گفتم که باید دستت خیلی به دهانت برسه...
–می تونم ببرسم چقدر؟ در ضمن من دوست دارم دختر داشته باشم...
* (آقای دلال تن صدایش را احساساسی می کند)ای جانم، ولی خب دختر معمولاً قیمتش بالاتره.

(بعضی خفیف به سرراغم آمد اگر خودم را رها کنم، می ترسد. به ذهنم آمد اگر گر به ام گرفت و باعث تعجب آقای «دلال» شد، به بچه دار نشدن خودم و همسرم ربطش می دهم و احتمالاً فضا احساساسی می شود و دلال شک نمی کند!...)
–مبلغ رو نگفتید...
* آره مشکلی نیست، ببین قیمت بچه رو به گرونه...

اگه می خسواى اقدام کنی اصلا نباید معطل کنی، وضعیت بازار رو که میدونی چطوریه!سکه چطور پنج میلیون بود، الان شده هفت تومان؟! دلار هم همین طور...!
خلاصه این گرونی ها قیمت بچه رو برده بالا. قیمت همین طور داره میره بالا مثل سکه و دلار و این چیزا... (به نظرم می آید آقای دلال برای این که قیمت را بگوید سعی می کند با مقدمه چینی ذهنم را آماده کند...)
–حالا چقدر هست...؟ قیمت پسر چند، دختر چنند؟!
* ۳۵ تا ۴۵ میلیون

(من در حال بازی یک نقش هستم و باید بتوانم جلوی بغض را بگیرم، مدام تصاویر خرید و فروش یک نوزاد چند روزه جلوی چشمم رژه می رود...)
–ببخشید اول باید بیعانه بسدم؟ و روال کار چطور هست؟
* ببینن آقا هر جا دیدی و شنیدای تسوی این کار

«بیعانه بگیر» هست و ازت بیعانه خواستند، شک نکن که کلاهبرداریه!

آگهی

گفت و گویی تکان دهنده با دلال نوزادان

▪ سخت گیری های قانونی برای فرزند خواندگی، پای دلالان را به تاملین خواسته خانواده‌ها باز کرده است.



–یعنی پول رو یک جامی گیریید؟ بعد چطور...

***** ببین داداش من! شما پول رو یک جا واریز می کنی به حساب، من بچه رو میذارم توی بغلت. به همین راحتی! شما میری دنبال زندگیت، پدرومادر بچه هم میرن دنبال کارشون.

–پس اول بیعانه نمی گیری؟

***** نه ببین شما چطور میری مغازه ماست بخری؟! پول رو میدی به ماست فروش، ماست رو می گیری، درسته؟
–**بله، متوجه شدم...**!

***** مبلغ که واریز شه من بچه رو میذارم توی بغلت...!
–یک سوال دیگه، ببخشید من از بین چند تا نوزاد، می تونم انتخاب کنم؟

(این سوال را یک بار دیگر هم می پرسم، اما پاسخ صریح نمی دهد)...

–فقط یک نکته مهم، شما چطور تضمین می دید که ارتباط پدر و مادر بچه، با ما قطع میشه؟ یعنی ممکنه فردا روز پدر و مادر پشیمون بشن بیان سراغ ما؟

***** این که اصلا و ابدا، اصلا چنین چیزی ممکن نیست من به اندازه این که از این مورد خاطر جمعم که دست اون‌ها به شما نمی رسه، توی هیچ موضوع دیگه‌ای از این ماجرا مطمئن نیستم. اصلا شما و پدر ومادر بچه همدیگه رو نمی بینید. ببین شما من رو هم نمی بینی...!ببین یعنی

دوشنبه ۲۹ اردیبهشت ۱۳۹۹، ۲۴ رمضان ۱۴۴۱، می ۲۰۲۰، شماره ۳۴۹۴، صفحه ۱۱

آقای دلال که انگار وظیفه خودش می دانست تمام و کمال حجت «خرید فرزند!» را بر من تمام کند، این بخش آخر را هم به زبان آورد.)

این بچه‌ها بیشتر به خاطر فقر و نداری خانواده‌ها به فروش می رسند. واقعا ما خودمون هم نمی تونیم آمار دقیق بگیریم که این بچه‌ها که خرید و فروش میشن وضعیت شون چطور هست، چون اون قدر واسطه توی واسطه هاست که من هم به عنوان یک واسطه اصلا نمی دونم کی از کجا اومد...

(چند دقیقه بعد، آقای دلال چند عکس و فیلم از چند نوزاد برام می فرستند. آن قسدر دلش را ندارم که بتوانم به عکس ها شوم، اما حالا می توانم بغضم را رها کنم و لعنت بفرستم به این دنیا...ای کاش بهزیستی و بخش‌های مسئول دست از این سخت گیری‌ها بردارند

تسا پدرومادرهایی که صاحب فرزند نمی شوند، بتوانند راحت تر سرپرستی این نوزادان بی پناه را به عهده بگیرند...
حتما اگر این مسیر سهل و آسان شود، دیگر هیچ نوزادی این گونه خرید و فروش نخواهد شد، حتی اگر حقوق دادی پدرومادر اصلی فرزند هم لحاظ شود، اگرچه پاره تن انسان رانمی توان با حق مادی و پول قیمت گذاری کرد...)

کودکان بی سرپرست قربانی سخت گیری بهزیستی؟

– تقریبا همه خانواده‌هایی که تاکنون باپانشان به ماجرای فرزندخواندگی باز شده‌است، دربارہ اعمال سخت گیری‌های بهزیستی در این روند اتفاق نظر دارند. جالب است درلحظاتی که کارهای انتشار این گفتگو در حال انجام بود، یکی از همکاران ما به شوخی گفت که اگر می شود نشانی از آقای دلال به او بدهم که مشکل یکی از آشناپانش حل شود. او هم از سخت گیری‌های زیاد بهزیستی در این باره مصادیقی را بیان کرد. آن سوی ماجرا بهزیستی است که بیان می کند: «سخت گیری‌های ما دوراندیشانه و در حدی است که بررسی کنیم خانواده متقاضی از شرایط روحی روانی مناسب، نداشتن سوء پیشینه و آسیب‌های اجتماعی، نداشتن اعتیاد و سلامت جسمی در حدی که بتواند یک فرزند را نگهداری کند، برخوردار باشد. هم اکنون در برابر یک کودک، ۱۰ متقاضی داریم و همین امر باعث طولانی شدن پروسه فرزندخواندگی شده است و شرایط بهزیستی دست و پا گیر نیست.

شاید بهزیستی حق داشته باشد، اما گلاویه‌های خانواده‌های متقاضی را در کنار این اظهار نظر خضری نماینده مجلس بگذارید که پیش از این گفته بود: کودکان بی سرپرست قربانی سخت‌گیری بهزیستی در روند فرزندخواندگی شده‌اند.

اگر نگاهی به شیوه فرزندخواندگی در کشورهای دیگر بیندازیم، می بینیم که واگذاری فرزند، قوانین معمولی دارد، اما بعد از واگذاری، نظارت و بازرسی‌های جدی از وضعیت کودک و شیوه نگهداری او به عمل می آورند.

پشیمان و تنبیه می شد.

چه شد که تصمیمت در کمتر از ۱۲ ساعت تغییر کرد؟
از شوهر دوم صاحب پسر ی یک ساله هستم. دلم برای بچه‌ام تنگ شده است. در زندان یاد او افتادم، بچه‌ام چه گناهی کرده بود که بدون من بماند.

توانستم تحمل کنم و تصمیم گرفتم بگویم که دروغ گفتم‌ام و کسی را نکشتم‌ام.

با همسر دومت چطور آشنا شدی؟

فهاد برادر یکی از دوستان خانوادگی مان بود. دو سال قبل خواهرش ما را به هم معرفی کرد فهاد راننده کامیون است و در یک شرکت لیبیاتی کار می کند اما اخلاقش خیلی تند است.

دقیقاً آن شب به مأمور کلاتری چه گفتی؟

به نگهبان کلاتری گفتم که من یک نفر را ۳سال قبل کشته‌ام و از عذاب وجدان تصمیم گرفتم راز قتل را برملا کنم. از شنیدن این خبر مأمور جوان متعجب شده بود و مرا به داخل کلاتری برد گفتم سه سال قبل در منطقه ورامین، زمانی که داشتم به خانه پدرم می رفتم، دو مرد افغانستانی راهم را سد کرده و می خواستند از من زورگیری کنند. من هم با چاقویی که همراهم بود یکی از آنها را کشتم و دومی فرار کرد.

با این اعتراف چه اتفاقی می افتاد؟

من به اتهام قتل بازداشت می شدم و از همسر دور می شدم. او مدتی بدون من زندگی می کرد و نبود مرا احساس می کرد. آن موقع

است.

با این حال بازپرس مرادی دستور تحقیقات در رابطه با بررسی اظهارات متناقض زن جوان را صادر کرد.

گفت‌وگو با زن نکونبخت

چرا چنین ادعایی را مطرح کردی؟

از دست شوهر دوم خسته شده بودم. اذیت می کرد و نمی دانستم باید چکار کنم. من ۵سال قبل به خاطر اختلافاتی که با شوهر اولم داشتم از او جدا شدم. از همسر اولم دو پسر دارم که پیش پدرشان هستند. وقتی با شوهر دوم به مشکل برخوردم ترسیدم دیگر طلاق بگیرم. شوهرم بداخلاقی می کرد و مدام بین ما دعوا بود. برای یک لحظه قید زندگی‌ام را زدم و این دروغ را گفتم.

اعتراف عجیب زن تهرانی به قتل

تلفن **۴۴۴۲۴۹۹۹ – ۴۴۴۲۰۲۸۴** (۰۷۶)
سایت: **www.eghtesad-kish.ir**

شامروزا
انواع غذاهای ایرانی دریایی با کیفیت عالی
کیش بازار عربها جنب نانویی لواش
۰۹۳۸۳۴۳۶۴۲۲
۰۹۳۴۷۶۸۰۴۲۱

نیازمندیهای
اقتصاد کیش
۴۴۴۲۴۹۹۹
۴۴۴۲۰۲۸۴

شرکت فاخر آسانبر کیش
فروش، نصب و تعمیر انواع آسانسور
شماره تماس ۰۹۳۴۷۶۸۰۹۱۴

فروش و معاوضه

معاوضه زمین ۴۸ هکتاری بین
مشهد و قوچان با آپارتمان و یا
زمین در جزیره کیش
تماس ۰۹۳۴۷۶۸۵۸۴۳

خدمات

دسترسی ایمن بدون داربست
عایق نانو جهت جلوگیری از نفوذ آب باران به داخل
اسکوپ سنگ‌های در حال ریزش (پیچ و رول پلاک)، شستشوی نما
شماره تماس ۰۹۱۲۰۸۱۴۳۵۴

کولرگازی
سرویس، تعمیر تخصصی، فروش
شماره تماس ۰۹۳۴۷۶۹۰۹۱۴

Architect
طراحی و اجرا

تغییر دکوراسیون و بازسازی صفر تا صد
با بیش از ۲۵ سال سابقه کار در جزیره کیش
بهترین طراحی
بهترین اجرا
بهترین متریاال
بهترین قیمت

محلول ضدعفونی ۳کاره (سوپر میکس سورولیت)
سطوح،دست، میوه و سبزیجات
خدا پرست ۰۹۳۴۷۶۸۰۵۷۰

به تعدادی نیروی کار خانم و آقا جهت کار در
فروشگاه و آشپزخانه نیازمندیم
شماره تماس: ۰۹۳۳۴۶۴۵۲۱۳

استخدام گرافیست

به یک گرافیست خانم /آقا برای
شیفت بعد از ظهر جهت کار در یک

شرکت مورد نیاز است
شماره تماس ۴۴۴۲۰۲۸۴

نیازمندیهای اقتصاد کیش
تلفنی
آگهی می پذیرد
۴۴۴۲۴۹۹۹
۴۴۴۲۰۲۸۴

استخدام

به نیروی خدماتی خانم /آقا با سواد
نیازمندیم
۴۴۴۲۰۲۸۳
ساعت کار ۸ الی ۳ عصر

منشی خانم شیفت عصر برای کار در یک شرکت
مورد نیاز است متقاضیان برای انجام مصاحبه به
نشانی خیابان فردوسی ویلاهای مروارید بلوک B3

طبقه سوم واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند. (آشنایی با
کامپیوتر الزامی است)
شماره تماس ۴۴۴۲۰۵۱۴

کارمند اداری خانم آشنا به
کامپیوتر ترجیحا برخوردار از
سابقه کار اداری استخدام می شود
شماره تماس: ۴۴۴۲۴۹۶۹

شهروند گرامی کیش!

به منظور رفع نیاز های روز مره شما هر روز دهها آگهی در نیاز مند یهای روز نامه اقتصاد کیش چاپ می شود.

از آنجایی که این رسانه تنها به معرفی صاحبان کالا و خدمات و نیاز مندیهای شهر وندان می پردازد لذا مسئولیتی درباره محتوای آگهی ها ندارد. لطفاً هنگام داد و ستد، باروش های مقتضی، اطمینان لازم را از صحت ادعای آگهی دهندگان به دست آورید.